

## تأثیر و نقش نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی

محمد جواد لیاقت دار\*، فتنانه نقوی\*\*، بهجت یزدخواستی\*\*\* و فاطمه سمیعی\*\*\*\*

\*گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان

\*\*عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

\*\*\*گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

\*\*\*\*کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

### چکیده

از آنجایی که امروزه حضور زنان در اجتماع به لحاظ بهره‌مندی جامعه از توانمندیهای آنان و برخورداری ایشان از امکانات جامعه در جهت رشد و تعالی فرد و اجتماع پسندیده است؛ لذا زمینه‌های تسهیل مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی در تسریع فرآیند توسعه و فضاسازی فرهنگی در عرصه جهانی و تحقق عدالت اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) در گرایش زنان به آموزش عالی بوده است.

طرح تحقیق توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای و ترکیبی از کمی - کیفی بود. به این منظور از میان کلیه دانشجویان دختر دانشگاه‌های دولتی اصفهان به طور تصادفی ساده متناسب با حجم تعداد 206 نفر انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته 38 سوالی و مصاحبه نیمه سازمان یافته بود. روایی پرسشنامه بر اساس نظرات پنج متخصص دانشگاهی سنجیده شد و پایایی آن با کمک ضریب آلفای کرونباخ 0/93 برآورد گردید. داده‌ها با استفاده از تکنیکهای آماری t تک متغیره و تحلیل واریانس دو طرفه (مانوا) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج نشان داد که نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بیش از سطح متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی موثر بوده است. بدین معنا که ارتقاء سطح فرهنگی جامعه (عمدتاً "خانواده‌ها) و اصلاح نگرش رهبران جامعه و نیز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه‌های گرایش بیشتر زنان به آموزش عالی را فراهم ساخته است. بنابراین لازم است سیستم آموزش عالی کشور

در توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) محدودیتی بین زن و مرد قائل نشود. در پایان توصیه‌هایی ارائه شده است از جمله تداوم حمایت مدیریت کشور و سیستم آموزش عالی در فراهم سازی زمینه های ارتقاء علمی زنان در کشور. واژه های کلیدی: جامعه، خانواده، آموزش عالی و زنان.

## The Effect of the Cultural Attitude of Society, Family and ICT on Women Attendance in Higher Education

M. J. Liaghatdar<sup>\*</sup>, F. Naghavi<sup>\*\*</sup>, B. Yazdekhashti<sup>\*\*\*</sup> and F. Samiee<sup>\*\*\*\*</sup>

<sup>\*</sup> Educational Sciences Department, the University of Isfahan

<sup>\*\*</sup> Academic Member of Islamic Azad University Dorood

<sup>\*\*\*</sup> Social Sciences Department, the University of Isfahan

<sup>\*\*\*\*</sup> M.A in Psychology

### Abstract

The aim of this study was to investigate the effect of cultural attitude of society and family as well as ICT development on increasing attendance of women in higher education institutions. Using quantitative and qualitative methods, the research was a kind of Causal-Comparative. Out of all female student of public universities in Isfahan, students were selected using stratified sampling. Research tools of this study were a researchers-made questionnaire (38 items) and a semi-structured interviews. Reliability of the questionnaire was 0.93 using Cronbach's alpha and its validity was examined by five university professors. All data were analysed by statistical technics using variance analysis (MANOVA) and t-test. Findings showed that all three above-mentioned research factors (cultural attitude of society, family and ICT development) were effective on increasing attendance of women in higher education institutions. Finally, some recommendations were offered including the need for continuing support of society leaders and higher education system in provision grounds for women scientific promotion.

**Keywords:** Society, Society, Higher Education and Women

### مقدمه

مهمی که در سالهای اخیر در علوم اجتماعی مطرح شده، آن است که ورود به آموزش عالی براساس جنسیت دستخوش تغییر شده است. بین سال های 1900 تا 1930 مردان و زنان به نسبت یکسان وارد دانشگاهها شدند. بعد از جنگ جهانی دوم به خاطر تسهیلاتی که در اختیار مردان از جنگ برگشته قرار داده شد، دانشگاهها با افزایش تعداد مردان روبرو شدند و اکنون به خاطر آموزش های مخصوصی که زنان در زندگی خود می بینند و جهت افزایش آگاهی و دستیابی

براساس منشور سازمان ملل متحد<sup>1</sup> در سال 2008 همه دولتها موظف شده اند که تا سال 2015 اولاً "زمینه آموزش عمومی<sup>2</sup> کلیه زنان را فراهم کنند و ثانیاً" در جهت افزایش توانمندسازی آنان<sup>3</sup> و تساوی جنسیتی<sup>4</sup> گام بردارند. در این راستا یکی از مسایل عمده و

<sup>1</sup> - UN Millenium Development Goals

<sup>2</sup> - Achieve universal primary education

<sup>3</sup> - Empower women

<sup>4</sup> - Promote gender equality

تحصیل دختران بخصوص در جوامع شرقی می باشد (بیکر<sup>9</sup> و ولز<sup>10</sup>، 1996؛ برادلی<sup>11</sup>، 2000). هر چند امروزه، خانواده به میزان گذشته بر شکل گیری شخصیت فرد موثر نمی باشد ولی همچنان سهم بسزایی در تشکیل آن دارد. معمولاً فرزندان خانواده های فقیر و کم درآمد و ترک تحصیل کرده، تحصیلات خود را به مدت طولانی ادامه نمی دهند و دختران خانواده های مرفه نه تنها به طور نابرابر نسبت به دختران خانواده های فقیر وارد دبیرستان و دانشگاهها می شوند بلکه تا مدارج بالاتر ادامه تحصیل می دهند (پایچاروپولوس<sup>12</sup> و سانیا<sup>13</sup>، 1981، به نقل از اکبری، 1385). عامل دیگر قوانین و مقررات اجتماعی است به طور مثال، داشتن مدرک معتبر، مقاطع تحصیلی قبلی، وجود آزمون های ورودی، گزینش اخلاقی جهت ورود به دانشگاه و محدود کردن برخی رشته ها به جنس خاصی از جمله قوانینی است که متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی جهت ورود داوطلبان به دانشگاه وضع می شود. علی رغم اینکه سطح فرهنگی خانواده ها در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است اما نگرش جامعه و سیاستهای جهانی و تأکید آنها بر تساوی بین زن و مرد در علم اندوزی و کار تأثیر شگرفی بر گرایش زنان به آموزش عالی دارد (نورل<sup>14</sup> و نورل<sup>15</sup>، 1996).

به حقوق واقعی خویش با نرخ 17 درصد بیش از مردان وارد سیستم آموزش عالی می شوند (کینگزبری<sup>1</sup>، 2007). بر اساس پژوهش قدیمی (1382) و لوکنبل<sup>2</sup> (2002) از عمده مسائلی که سایر دانشگاههای دنیا مانند هاروارد<sup>3</sup>، پرینستون<sup>4</sup>، استانفورد<sup>5</sup>، رایس<sup>6</sup>، دوکی<sup>7</sup> و یال<sup>8</sup> در دهه اخیر با آن روبرو هستند، افزایش ورود داوطلبان دختر به دانشگاهها و گرایش آنان به آموزش عالی می باشد. براساس آمار سازمان ملل متحد در سال 1980 فاصله دختران و پسران در آموزش عالی روبه کاهش و حتی افزایش به نفع دختران بوده است این به آن معناست که روند افزایش حضور دختران در دانشگاهها به یک پدیده جهانی تبدیل شده است.

دلایل متعددی برای ورود زنان به آموزش عالی وجود دارد، از جمله می توان به ویژگی های فردی مانند توانایی های ذهنی و فکری، علاقه، تاثیر نهاد خانواده، قوانین و مقررات اجتماعی، باورها و ارزش های حاکم بر جامعه اشاره نمود (اکبری، 1385). توانایی های فکری و ذهنی عامل مهمی در گرایش زنان به آموزش عالی است. معمولاً زنانی که از توانایی های بالاتر برخوردارند گرایش بیشتری به آموزش عالی از خود نشان می دهند. این امر ناشی از تاثیر نهاد خانواده و نگرش والدین و همسر نسبت به ادامه

<sup>9</sup> - Baker

<sup>10</sup> - Velez

<sup>11</sup> - Bradley

<sup>12</sup> - Pascharopoulos, g

<sup>13</sup> - Sanyal, B

<sup>14</sup> - Norell, T.H.

<sup>15</sup> - Norell, E.

<sup>1</sup> - Kingsbury, A.

<sup>2</sup> - Luckenbill, E. L

<sup>3</sup> - Harvard

<sup>4</sup> - Princeton

<sup>5</sup> - Stanford

<sup>6</sup> - Rice

<sup>7</sup> - Duke

<sup>8</sup> - Yale

هر جامعه است. تحقیقات نشان می دهد که تشویق مسئولین و سیاستگذاران جامعه حتی باعث تغییر رشته تحصیلی زنان می شود که ادامه آن می تواند منجر به تعدیل جنسیت در دانشگاهها گردد (ما<sup>2</sup> و ویلم<sup>3</sup>، 1999). لذا سرمایه گذاری در امر آموزش دختران و زنان سرمایه گذاری مفید و حتی مهم تر از سرمایه گذاری در امر مردان است زیرا آموزش یک زن برابر آموزش یک خانواده می باشد (غیائی، 1379). ارزش تحصیلات زنان به این موارد خلاصه نمی شود. براساس گزارش توسعه انسانی در سال 1995 (قابل دسترسی از سایت سازمان ملل متحد،<sup>4</sup> 2008) بین تحصیلات زنان و کاهش مرگ و میر کودکان رابطه ای مثبت و معنادار وجود دارد و نیز طول عمر کودکان در خانواده هایی که مادران باسوادتری دارند بیشتر است. در پژوهش دیگری که دگلر<sup>5</sup> (1998) انجام داده است به این نتیجه رسیده که میزان تاثیر والدین بر فرزندان درانتخاب شغل قوی تر از هر عامل دیگری است. بدین معناکه در خانواده های تحصیل کرده فرزندان والدین خود را الگو قرار می دهند. بنابراین، نقش تربیتی زنان در خانواده ها از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار می شود زیرا مادران در فرایند جامعه پذیرکردن کودک می توانند الگوهای فعالیت و مشارکت را به آنها آموزش دهند. این امر در صورتی با موفقیت انجام می گیرد که زنان از آگاهی، دانش، اطلاعات و

منظور از نگرش فرهنگی جامعه ارزشها و باورهای حاکم در هر جامعه، نگاه مسئولین و رهبران کشور به مسأله زن و نقش او در پیشرفت جامعه می باشد. افزایش بودجه جهت مشارکت بانوان در عرصه های مختلف اجتماع، برابری دختر و پسر در انتخاب نوع رشته های دانشگاهی، اجازه دادن به زنان که در امور مملکتی دخالت کنند، تغییر دید مسئولین از مردسالاری به شایسته سالاری، دادن حق مشارکت اجتماعی و اعتلای دانش زنان از مواردی است که نگرش فرهنگی مثبت جامعه را نشان می دهد. در جامعه ای که آموزش عالی و داشتن تخصص از نظر مسئولین و مردم آن ارزش به حساب می آید تقاضا برای ورود به دانشگاه افزایش می یابد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نگرش رهبران دینی و مسئولین سیاسی نسبت به ادامه تحصیل زنان تغییر نمود تا جایی که ارزش های فرهنگی جامعه را به تحصیلات زنان نسبت دادند (شاورینی<sup>1</sup>، 2003).

یکی از عوامل بسیار مهم در افزایش حضور دختران در مدارس به توصیه رهبران سیاسی - مذهبی و اطمینان از اسلامی بودن آموزش و پرورش دولتی بوده است. شواهد موجود نشان می دهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان تحصیل کرده مسلمان به گونه ای فزاینده موقعیتهای مناسبی در روند تصمیم گیریها به دست آورده اند و نیز دسترسی آنها به سطوح مختلف آموزش عالی افزایش یافته که این خود از مهمترین شاخصه های ارتقای وضعیت زنان در

<sup>2</sup> - Ma

<sup>3</sup> - Willm

<sup>4</sup> - [www.un.org](http://www.un.org)

<sup>5</sup> - Degler, H

<sup>1</sup> - Shavarini, M.

زنان موفق دیدگاههای مثبت نسبت به زنان را تقویت نمود.

بنابراین، با توجه به افزایش تعداد پذیرفته شدگان دختر در آزمون ورودی دانشگاههای کشور و پیامدهای مثبت و منفی این پدیده پژوهش حاضر در پی آن بوده است دریابد که:

(1) تا چه میزان نگرش فرهنگی جامعه (نگرش رهبران دینی، مسئولین و مدیران سیاسی) در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟

(2) تا چه میزان نهاد خانواده (والدین و همسر) در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟

(3) تا چه میزان توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟

#### روش تحقیق

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی - مقایسه ای و نیز ترکیبی از کمی و کیفی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاههای دولتی اصفهان یعنی دانشگاه علوم پزشکی، دانشگاه صنعتی و دانشگاه اصفهان بوده است. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده متناسب با حجم و براساس ضریب تاثیر و سطح آلفا در مطالعه مقدماتی، تعداد 206 نفر جهت نمونه انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه نیمه سازمان یافته بود. پرسشنامه حاوی 38 سوال بسته پاسخ با مقیاس درجه بندی لیکرت در سه مؤلفه نگرش

ارتباطات خوبی برخوردار باشند و آموزش عالی می تواند بستر مناسبی برای افزایش اطلاعات و توسعه ارتباطات در میان زنان جامعه باشد.

در خصوص ارتباطات و نقش آن در گرایش به آموزش عالی پارکرسون<sup>1</sup> (2004) معتقد است زنان ایران مانند زنان دیگر کشورهای توسعه یافته تلاش هایی جهت رفع تبعیض علیه خود را با کسب جایگاه ورود به اطلاعات و ارتباطات جمعی جهانی شروع کرده اند. چرا که ارتباطات جمعی در افزایش دانش و آگاهی فرد به ویژه در دنیای امروز نقش موثری داشته و به فرد توان مقایسه و انتخاب می بخشد. در جوامع مدرن تبلیغات به مکانیسم اصلی بازسازی افکار عمومی تبدیل شده است به گونه ای که گروههای سیاسی به منظور تحقق اهداف خود در عرصه ملی و بین المللی تلاش می کنند با استفاده از رسانه های گروهی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما و تکنولوژی های ماهواره ای و مخابراتی افکار عمومی را متناسب با اهداف خود شکل دهند.

خلیفه سلطانی (1378) و کید<sup>2</sup> (1995) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که یکی از راههای توانمندسازی زنان آن است که در همه رسانه های ارتباط جمعی در مورد توانمندی ها و شایستگی های آنان صحبت شود. با انجام فعالیت هایی مانند جلسات بحث، میزگرد، سخنرانی و نیز فیلم و سریال زودتر می توان باورهای فرهنگی غلط جامعه و تصورات کلیشه ای راجع به زنان را اصلاح نمود و با نشان دادن الگوهای

<sup>1</sup> -Parkerson, A. H

<sup>2</sup> -Kidd, S

ریزی آموزش عالی که 90% این افراد عضو هیأت علمی دانشگاهها بودند صورت پذیرفت. داده ها با استفاده از آزمون t تک متغیره و تحلیل واریانس دو طرفه (مانوا) (MANOVA) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده های حاصل از پرسشنامه و مصاحبه در ارتباط با نگرش فرهنگی جامعه و تاثیر آن در گرایش زنان به آموزش عالی در جدول 1 و 2 خلاصه شده است.

فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات و یک سؤال باز پاسخ بود. روایی پرسشنامه بر اساس نظر پنج متخصص دانشگاهی زن و مرد سنجیده شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ 0/93 برآورد گردید. به منظور جمع آوری مستدل و عمیق تر در خصوص هر یک از مؤلفه های پژوهش و تقویت تجزیه و تحلیل و بحث پیرامون یافته های پژوهش مصاحبه نیمه سازمان یافته ای با 15 نفر از پژوهشگران و محققان مسایل زنان در مرکز زنان ریاست جمهوری، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران و مؤسسه پژوهش و برنامه

جدول 1: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخ ها در ارتباط با مقوله نگرش فرهنگی جامعه

درصد	برخی از مؤثرترین گویه ها
65/1	تغییر زوایای دید مسئولین از مردسالاری به شایسته سالاری
60/6	جذب دختران واجب التعلیم و احداث مدارس ویژه دختران در مناطق محروم
40/8	رهنمودهای رهبران دینی و سیاسی کشور مبنی بر حضور زنان در مسایل مختلف کشور

متوسط نمره پاسخگویان بین 3/09 تا 3/76 در نوسان بوده است.

جدول 2: موثر بودن نگرش فرهنگی جامعه در گرایش زنان به آموزش عالی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P
نگرش فرهنگی جامعه	3/43	0/852	8/23	0/000

درگرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است (3/09 > 3/43).

درضمن نتایج حاصل از داده های کیفی و مصاحبه بیانگر آن بوده است که اکثر پاسخ

همانگونه که در جدول 2 نشان داده شده است نگرش فرهنگی جامعه در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است (P < 0/001) و میانگین نشان می دهد که این مقوله بیش از سطح متوسط

نسبت به حقوق خود را از عوامل بسیار مهم در گرایش زنان به آموزش عالی می دانستند. در خصوص سؤال دوم پژوهش، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در ارتباط با نهاد خانواده و تاثیر آن در گرایش زنان به آموزش عالی در جدول 3 و 4 خلاصه شده است.

دهندگان نگرش مسئولین و مدیران نسبت به ادامه تحصیل زنان، رشد و ارتقاء علمی آنان، نقشی که زنان در تربیت فرزندان دارند و نیز ایجاد و تقویت روحیه خود باوری توسط مسئولین و فراهم ساختن بستری جهت افزایش آگاهی زنان

جدول 3: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخ ها در ارتباط با مقوله نهاد خانواده

درصد	برخی از مؤثرترین گویه ها
78/2	تشویق خانواده به ادامه تحصیل دختران
71/4	بالا بودن تحصیلات مادران و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی فرزندان
40/8	پذیرش این واقعیت که الزاماً نباید تحصیلات مرد از زن بالاتر باشد.

متوسط نمره پاسخگویان بین 3/34 تا 4/16 در نوسان بوده است.

جدول 4: مؤثر بودن نهاد خانواده در گرایش زنان به آموزش عالی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	t	P
نهاد خانواده	3/93	0/60	22/39	0/000

زیرا نشان از بی قیدی زن به خانواده، همسر و فرزندان داشت ولی امروز تحصیلات دختران مباحث خانواده به حساب می آید. البته بر اساس نظرات مصاحبه شوندگان افزایش امنیت و سلامت دانشگاهها عاملی جهت تشویق خانواده ها و نگرش مثبت آنها برای ورود دختران به دانشگاه بوده است.

در ارتباط با سؤال سوم پژوهش، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در ارتباط با توسعه ارتباطات و تاثیر آن در گرایش زنان به آموزش عالی در جدول 5 و 6 خلاصه شده است.

همانگونه که در جدول 4 مشاهده می شود نهاد خانواده در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ( $P < 0/001$ ) و میانگین مشاهده شده نشان می دهد که نهاد خانواده بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی مؤثر بوده است ( $3/93 > 3/34$ ).

در ضمن نتایج حاصل از داده های کیفی و مصاحبه بیانگر آن بوده است که اکثریت پاسخ دهندگان نگرش خانواده و نقش آن را کلیدی ترین عامل در گرایش زنان به آموزش عالی دانستند. برخی معتقد بودند در گذشته ادامه تحصیل زنان یک ضد ارزش محسوب می شد

جدول 5: نوع و درصد برخی از مؤثرترین پاسخ ها در ارتباط بامقوله توسعه ارتباطات

درصد	برخی از مؤثرترین گویه ها
52/9	تأثیر محتوای رسانه های گروهی از قبیل پخش فیلم های ویژه زنان و نشان دادن محیط های دانشگاهی
52/4	افزایش تبادل ارتباطات و ارتقاء آگاهی از طریق ماهواره و اینترنت
27/2	برگزاری روند رو به رشد کنکورهای مکاتبه ای

متوسط نمره پاسخگویان بین 2/87 تا 3/52

در نوسان بوده است.

جدول 6: موثر بودن ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی

P	t	انحراف معیار	میانگین	متغیر
0/000	5/67	0/731	3/28	ارتباطات و فناوری اطلاعات

همانگونه که در جدول 6 مشاهده می شود توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است ( $P < 0/001$ ) و میانگین مشاهده شده نشان می دهد که ارتباطات بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است ( $3/28 > 2/87$ ).

ضمناً" نتایج حاصل از داده های کیفی و مصاحبه بیانگر آن بوده است که اکثریت پاسخ دهندگان گسترش ارتباطات، طرح نهضت فمینیسم در رسانه ها، تلقی آموزش به عنوان سکوی پرتاب به سمت موفقیت های آینده، آشنایی با دانشگاه های دیگر از طریق اینترنت و ماهواره، آشنایی با زنان موفق در داخل کشور و سایر کشورها را از عوامل بسیار مهم در گرایش زنان به آموزش عالی دانستند.

علاوه بر این نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر عوامل دموگرافیک (جمعیت شناختی) در مؤلفه های گرایش به آموزش عالی مانند نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات نشان داد که بین نظرات پاسخ دهندگان از لحاظ سطح تحصیلات والدین در مؤلفه نهاد خانواده تفاوت معنادار مشاهده شد ( $P < 0/05$ ) بدین معنا که دانشجویانی که والدین آنها دارای لیسانس و بالاتر بوده اند، نهاد خانواده را از عوامل مهمی در گرایش به آموزش عالی دانستند و بین نظرات پاسخ دهندگان از لحاظ میزان تحصیلات مادر در مؤلفه نگرش فرهنگی جامعه تفاوت معنادار مشاهده شد ( $P < 0/05$ ) بدین معنا که دانشجویانی که والدین آنها دارای لیسانس و بالاتر بوده اند، نگرش فرهنگی جامعه به ادامه تحصیل دختران را از عوامل مهمی در گرایش به آموزش عالی دانستند.

همانگونه که در جدول 6 مشاهده می شود توسعه ارتباطات در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است ( $P < 0/001$ ) و میانگین مشاهده شده نشان می دهد که ارتباطات بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است ( $3/28 > 2/87$ ).

ضمناً" نتایج حاصل از داده های کیفی و مصاحبه بیانگر آن بوده است که اکثریت پاسخ دهندگان گسترش ارتباطات، طرح نهضت فمینیسم در رسانه ها، تلقی آموزش به عنوان سکوی پرتاب به سمت موفقیت های آینده، آشنایی با دانشگاه های دیگر از طریق اینترنت و ماهواره، آشنایی با زنان موفق در داخل کشور و سایر کشورها را از عوامل بسیار مهم در گرایش زنان به آموزش عالی دانستند.

علاوه بر این نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها در ارتباط با تأثیر عوامل دموگرافیک (جمعیت شناختی) در مؤلفه های گرایش به آموزش عالی مانند نگرش فرهنگی جامعه، نهاد خانواده و توسعه ارتباطات نشان داد که بین نظرات پاسخ دهندگان از لحاظ سطح



### بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

در خصوص سوال اول پژوهش "به چه میزان نگرش فرهنگی جامعه در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که نگرش فرهنگی جامعه بیش از سطح متوسط درگرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است. به طوری که بیشترین درصد پاسخ ها مربوط به گویه "تغییر زوایای دید مسئولین از مردسالاری به شایسته سالاری" و "جذب دختران واجب التعلیم و احداث مدارس ویژه دختران در مناطق محروم" می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش با تحقیقات ما و ویلم (1999) همخوانی دارد. در این ارتباط می توان گفت که تغییر دید مسئولین سیاسی و رهبران دینی نسبت به حضور زنان در جامعه انگیزه مشارکت آنان را بالا برده است. بالا رفتن انگیزه مشارکت زنان و انعطاف پذیری آنان در پی تشویق مسئولین متوازن ساختن کفه های ترازوی عدالت را به دنبال دارد. زنان ضمن ابراز مطالبات خویش و افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی مسئولین را ملزم می نماید تا امکانات آموزشی لازم را به طور مساوی در اختیار آنان قرار دهند. زیرا امکانات آموزشی هر جامعه با توجه به میزان تقاضای اجتماعی آن جامعه توسعه می یابد. این توسعه از یک طرف در جهت پاسخ به نیازهای زنان و از طرف دیگر در راستای جامعه ی عمل پوشانیدن به اهداف اجتماعی تحول پیدا می کند.

نگرش مثبت مسئولین به ادامه تحصیل زنان منجر به اتخاذ سیاست های حمایتی مانند آموزش رایگان، پرداخت هزینه ی وام تحصیلی، بورسیه نمودن

دانشجویان زن و استخدام فارغ التحصیلان دانشگاهی می گردد. و دولتمردان می توانند نیمی از بدنه اجتماع را که همان زنان هستند به سمت سیاستهای تدوین شده خود سوق دهند. در سال های اخیر که شعار شایسته سالاری در برابر مردسالاری یا زن سالاری مطرح و محدودیت جنسیت برای ورود به دانشگاه نیز حذف شده است؛ براساس آمار ارائه شده سازمان سنجش کشور در سالهای اخیر که قبولی دختران نسبت به پسران 70 به 30 بوده دختران نشان داده اند که در بسیاری از موارد قابلیت های بیشتر و بهتری نسبت به پسران دارند. نکته ای که برای محققان آینده قابل توجه می باشد بررسی این نکته است که چرا زمینه رشد و انگیزه پسران برای ادامه تحصیل کاهش پیدا کرده است که پاسخ به این سوال نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

در خصوص سوال دوم پژوهش "به چه میزان نهاد خانواده درگرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که نهاد خانواده بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است. به طوری که بیشترین درصد پاسخ ها مربوط به گویه "تشویق خانواده به ادامه تحصیل دختران" و گویه "بالا بودن تحصیلات مادران و تأثیر آن بر موفقیت تحصیلی فرزندان" می باشد. در این رابطه، همانطور که قبلاً اشاره شد، اکبری (1385) نیز معتقد بود که تقاضای زنان برای آموزش عالی، انتخاب نوع رشته و طول دوره آموزشی به شدت تحت تأثیر شرایط فرهنگی، اجتماعی و زمینه های اقتصادی خانواده قرار دارد. از یک طرف، سالم تر شدن محیط اجتماعی دانشگاهها، افزایش اعتماد خانواده ها را به دنبال داشته به گونه ای که مذهبی

ای بر خوردار خواهد بود و هر اندازه کشورها از رشد اقتصادی و تحولات بیشتری بهره برده باشند، نقش زنان و حضور گسترده‌ی آنها در جامعه ملموس تر خواهد شد. علاوه بر این، بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر کس از حق مشارکت در حکومت کشور خویش برخوردار است. توانمندسازی زنان و بهسازی منزلت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان برای حصول دولتی که عملکردش از شفافیت برخوردار بوده و نسبت به مردم پاسخگو باشد و نیز برای حصول توسعه پایدار در همه عرصه‌های زندگی امری حیاتی است. این امر به زعم دفتر امور بانوان (1375) بدون شرکت فعال زنان و استفاده از نظرات آنان در کلیه سطوح تصمیم‌گیری قابل دسترسی نیست.

به هر حال، به نظر می‌رسد که امروزه کسی نمی‌تواند اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، روانی و تربیتی حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی به خصوص آموزش عالی را که راه ورود به توسعه است منکر شود. مشارکت صحیح زنان که مبتنی بر تعالیم والای دین اسلام است راهی در جهت استفاده بهتر از نیروی انسانی جامعه و پاسخی است قاطع بر همه آنان که ورود زنان از حاشیه به متن اجتماع را نادرست می‌پندارند. اینگونه اظهار نظرها عمدتاً ناشی از عدم مرجعیت علم در تصمیم‌گیری‌ها و نداشتن رویکردهای علمی در قبال تحولات جامعه است. با این همه، ارزیابی دقیق وضعیت موجود و بررسی این تحول در دهه اخیر ضرورت انجام پژوهش در این زمینه را بیش از پیش می‌طلبد. بر اساس پژوهشهای صورت گرفته توسط باتلر<sup>1</sup> و دپرز<sup>1</sup> (2002) و باتلر و

ترین خانواده‌ها با طیب خاطر دختران خود را تشویق به ادامه تحصیل در دانشگاهها نمودند. از طرف دیگر، امروزه بیشترین دغدغه خانواده‌ها بر این متمرکز بوده است که فرزندان خود را به طبقات بالاتر جامعه ارتقاء داده و در جهت تحقق این امر از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. نکته جالب توجه در این پژوهش اینکه درصد پاسخ دانشجویان به گویه "تأثیر تحصیلات مادران" و نیز "تشویق نهاد خانواده" از دیگر گویه‌ها در مؤلفه‌های دیگر پژوهش بیشتر بود و این حکایت از شدت تأثیر عامل نهاد خانواده و بویژه نقش مادران دارد.

در خصوص سوال سوم پژوهش، "به چه میزان توسعه ارتباطات درگرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است؟" نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که توسعه ارتباطات بیش از سطح متوسط در گرایش زنان به آموزش عالی موثر بوده است. به طوری که بیشترین درصد پاسخ‌ها مربوط به گویه "تأثیر محتوای رسانه‌های گروهی از قبیل پخش فیلم‌های ویژه زنان و نشان دادن محیط‌های دانشگاهی" و گویه "افزایش تبادل ارتباطات و ارتقاء آگاهی از طریق ماهواره و اینترنت" بوده است. این یافته با دیدگاه غیائی (1379) مبنی بر این که توسعه هر جامعه را باید با وضعیت زنان آن جامعه و جایگاه آنان از نظر آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سنجید، همخوانی دارد. چرا که نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی با سطح توسعه‌ی کشور و رشد جامعه‌ی شهری آنها ارتباط دارد. بدین معنا که همانطور که ساخاروپولوس (1370) معتقد است هر قدر جمعیت ساکن در شهرها بیشتر باشد نرخ مشارکت دختران در آموزش عالی از رشد فزاینده

<sup>1</sup> - Butler, S.S.

2- دفتر امور بانوان، سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کارپایه عمل و اعلامیه پکن، ترجمه علی آوین و سید سعید قاضی، تهران: برگ زیتون، (1375).

3- خلیفه سلطانی، ف، نقش مدیریت در توسعه نیروی انسانی از نظر مدیران زن دارای تحصیلات عالی شهرستان اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان، (1378).

4- ساخاروپولوس، ج، و وودهال، م، آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینش های سرمایه گذاری، ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، (1370).

5- غیائی، م، بررسی روند وضعیت آموزش زنان در آموزش عالی ایران، تهران: موسسه پژوهش در برنامه ریزی آموزش عالی، (1379).

6- قدیمی، ا، زن، عرصه اجتماع، تهران: برگ زیتون، (1383).

7- Baker, T.L. & Velez, W. (1996). Access to and Opportunity in Postsecondary Education in the United States: A Review. *Sociology of Education*, 69(Extra issue), 82-101.

8- Bradley, K. (2000). The Incorporation of Women into Higher Education: Paradoxical Outcomes? *Sociology of Education*, 73, 4-18.

9- Butler, S.S. & Seguino, S. (2000). Working in Coalition: Advocates and Academics Join Forces to Promote Progressive Welfare Policies. *Journal of Community Practice*, 7(4), 1-20.

سگوینو<sup>2</sup> (2000) سرمایه گذاری در خصوص پژوهش بر روی مسایل زنان لازم است زیرا توسعه هر جامعه بر اساس وضعیت زنان و جایگاه همه جانبه آنان از نظر آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سنجیده می شود. در این راستا با توجه به تأثیر ایجاد فضای باز سیاسی پس از انقلاب در ابراز نظرات، ایده ها و علاقه مندی زنان جهت مشارکت در فعالیتهای اجتماعی پیشنهاد می شود تا مدیریت کلان کشور بستر مناسب و زمینه لازم جهت حضور جدی زنان را در نهادهای مختلف سیاسی، اقتصادی، علمی و هنری خصوصاً "رسیدن به شرایط و موقعیت و اعتبار اجتماعی بالاتر و ارضاء نیازهای فرامادی شان، ایجاد فعالیتهای کارآفرینانه و نوآورانه فراهم آورد. همچنین با توجه به تأثیر ارتباطات بر گرایش زنان به آموزش عالی لازم است دسترسی آحاد مردم به وسایل ارتباطی مانند اینترنت، ماهواره و تلفن فراهم شود و نیز امید می رود تغییر نگرش مدیران جامعه و تغییر نگرش خانواده ها در ایران بعد از انقلاب اسلامی منجر به پیامدهایی گردد که با توجه به تواناییهای زنان، پستهای اجرایی جهت این قشر عظیم جامعه هم افزایش یابد.

#### منابع

1- اکبری، ن، بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی، دریچه، سال سوم، شماره یازده، صص 14-24، (1385).

<sup>1</sup> - Deprez, L.

<sup>2</sup> - Seguino, S.

Educational Evaluation and Policy Analysis, 21, 365-383.

16- Norrell, J.E. & Norell, T.H. (1996). Faculty and Family Policies in Higher Education. Journal of Family Issues. 17(2), 204- 266.

17- Parkerson, A.H. (2004). Time for a Change: Rethinking the Development of Women and Girl. Educational Research, 33(6), 29-35.

18- Shavarini, M. (2003). Misconceptions about Islam and Women's Education. International Education, 33(1), 40-51.

19- UN Millennium Development Goals (2008). From: <http://www.un.org/millenniumgoals/>

10- Butler, S.S. & Deprez, L. (2002). Something Worth Fighting for: Higher Education for Women on Welfare. From: <http://aff.sagepub.com>.

11- Degler, H. (1998). Parental Roles Moder. Gender and Education. 49(3).

12- Luckenbill, E. L. (2002). The Educational Pipeline for Women in Biology: No Longer Leaking? Bioscience, 52(60), 513-523.

13- Kidd, S. (1995). The Sisterhood and the academy: video panel analysis the struggle for recognition. Black Issues in Higher education, 12(4), PP.22.

14- Kingsbury, A. (2007). Admittedly Unequal, Many Colleges are Rejecting Women at Rates Drastically Higher than Those for Men. Jun 30 2007. from <http://proquest.umi.com>.

15- Ma, X. & Willms, J.D. (1999). Dropping out of Advanced Mathematics: How Much do Students and School Contribute to the Problem?

